



# مكتبة رفیع

دکتر فریدون سیامک نژاد

نام کتاب:

طاعون و افول تمدن اسلامی

نویسنده:

مايكل والترزDas

ترجمہ:

دکتر قربان بهزادیان نژاد

ناشر:

پژوهشکده تاریخ اسلام

وپت چاپ:

۱۳۹۵ - ول

شمارگان:

١٠٠ جلد

قیمت:

٣٧٠٠ تومان

درس ناشر

خیابان ولی عصر(عج)، خیابان شهید عباسپور، خیابان رستگاران، شهرک شرقی، شماره ۹، تلفن: ۰۳۱۶۷۶۸۶۱

یک تحقیق علمی جامع، آغاز حرکتی اساسی و همه‌جانبه از سوی دانشمندان اسلامی به منظور تصحیح و تکمیل تلاش‌های گذشته ضروری است. اگر این حرکت، گسترده، غنی و متنکی بر پیشرفت‌ترین روش‌های پژوهشی آغاز شود، بی‌شک تغییرات بنیادی در مسیر این‌گونه مطالعه‌ها در پژوهشگاه‌های مهم دنیا در زمینه تاریخ اسلام و مسائل مختلف آن دور از دسترس نخواهد بود.

هدف اساسی از تأسیس پژوهشکده تاریخ اسلام - که هم‌اکنون در آغاز راه است - گام زدن در راه تحقق این آرمان می‌باشد. این پژوهشکده با همت و پیگیری استادان ارزشمند تاریخ اسلام و رشته‌های پیوسته به آن، آغاز به کار کرده و برای نیل به اهداف مقدس خود، آماده همکاری با همه کسانی است که به این اهداف ایمان دارند. از این رو، پاسخگویی به هزاران پرسش را که در خلال مطالعه ۱۴ قرن تاریخ اسلام مورد توجه خواننده و به خصوص پژوهشگران قرار می‌گیرد، وجه همت خود قرار داده است. تحقق این مهم با روش‌های گوناگون دنبال می‌شود، که نشر آثار پژوهشی استادان و کارشناسان - به صورت تأثیف و یا ترجمه - مانند اثر حاضر، از جمله آن‌ها است. البته، برنامه‌هایی هم‌چون تشکیل کارگاه‌های تخصصی، نشست‌های علمی تخصصی و حمایت از پژوهش‌های پژوهشی مورد نیاز، نیز برای تحقق هدف یاد شده در حال پیگیری و اجرا است که ضرورت دارد کیفیت و کمیت آن‌ها افزایش یابد.

این مرکز، هم‌اکنون با شش گروه علمی و زیرنظر شورای علمی فعالیت می‌کند، که انشاء‌الله به زودی تعداد آن‌ها به دو برابر افزایش خواهد یافت. از جمله اقدامات کم‌سابقه پژوهشکده، تأسیس دانشنامه

آقای دکتر قربان بهزادیان نژاد، استاد فرهیخته و سختی کشیده دانشگاه تربیت مدرس است. در سال‌های محدودیت و مشکلاتی که داشته‌اند، اقدام به ترجمه کتاب‌های ارزشمندی کردند، که «طاعون و افول تمدن اسلامی» از جمله آن‌ها است. خودشان هدف از ترجمه کتاب را، زدودن خرافه‌ها و بدفهمی‌ها عنوان کردند.

قبل از این که مقدمه آقای دکتر قربان بهزادیان نژاد بر ترجمه کتاب را مورور کنیم، به مطلبی می‌پردازیم که آقای سیدهادی خامنه‌ای، رئیس پژوهشکده تاریخ اسلام (ناشر کتاب)، در ابتدای کتاب به رشتہ تحریر درآورده‌اند. در این مطلب می‌خوانیم که:

«تاریخ هر امت و جامعه‌ای بیانگر فرهنگ و تمدن آن است. به همین دلیل، علم تاریخ در میان علوم، جایگاهی ویژه یافته است. جامعه اسلامی به عنوان یک امت جهانی، دارای چهارده قرن سابقه تاریخی با ابعاد و عناصری روشن و بدون ابهام است. اهمیت این پیشینه تاریخی و ابعاد گوناگون آن، مانند فرهنگ، تمدن، علوم، اخلاق، فلسفه و هنر و نقش بی‌بدیل آن در تمدن جهان معاصر، تلاش گسترده دانشگاه‌ها و دانشمندان غربی را نیز در راه تحقیق و مطالعه این تاریخ عظیم برانگیخته است، تا بدان پایه که معتبرترین منابع و اطلاعات پژوهشی در حوزه‌های گوناگون تاریخ اسلام را در مراکز علمی غرب می‌توان سراغ گرفت.

به رغم توجه ویژه پژوهشگاه‌های دنیاًی غرب به اسلام، به علت ناتوانی ذاتی آن‌ها از شناخت اسلام ناب و حقیقی - به دلیل عدم دسترسی مستقیم و به دور از تحریف به منابع اصیل و لاجرم اطلاع محدود پژوهشگران از زمینه‌ها و پس‌زمینه‌های

تکاپویی انداخت و بدین سان پزشکی شکل گرفت. تکاپویی در جستجوی یافتن راههایی برای سلامت در کنار دیگر کندوکاوها که به زندگی انسان، معنا می‌بخشید و او را در جدال دایم با طبیعت قرار می‌داد. جدالی که سویه‌های مختلف و ابعاد متفاوتی داشت. از یکسو، رامسازی طبیعت اعم از حیوانات، تسخیر زمین و دیدار با همه زیبایی‌ها و طغیان‌ها و هر آنچه در آن‌ها هست. از دیگرسو دستکاری در طبیعت به منظور بهسازی و بهبود زندگی و بالاخره شناخت و بهره‌مندی از قوانین طبیعی و انتقال آن‌ها به همنوعان و نسل‌های آتی.

در این مصاف دشوار و بی‌پایان، انسان فکور، نیاز به همکاری و همراهی هم‌نوع خود را بیش از پیش احساس نمود و دسته‌ها و گروه‌هایی شکل داد و کم گروهی زیستن را تجربه کرد. بدین سان روستانشینی و شهرنشینی یا به عبارت دیگر، مدنیت (شهری شدن) را پیشه ساخت. پدیده‌ای که تدریجی و آهسته و مبتنی بر فطرت و عقل به وجود آمد. اگرچه این رخداد بزرگ، انسان را از جهاتی قدرتمند می‌ساخت. لیکن، او را به آسیب‌ها و آسیب‌پذیری‌های جدیدی حساس نمود. آسیب‌هایی که ناشی از همین پدیده یک‌جانشینی و گروهی زیستن است که دهها (و شاید صدها) نیاز و ضرورت جدید خلق کرد: نیاز به آب، داد و ستد، تعامل بیشتر با دیگر انسان‌ها و حیوانات اهلی، انباشت مواد خوراکی، سازمان‌های اجتماعی و ...

در این مسیر برهم‌زننده‌های نظام مدنی و یا ویرانگرهای آن نیز رخ نمودند و هم‌پایی رشد و بالندگی زیست مدنی آن‌ها نیز گسترد و فراگیر شدند. همان‌ها که در تاریخ تمدن از دیرباز به خوبی

جغرافیای تاریخی جهان اسلام است که به زودی اولین مجلد آن عرضه خواهد شد. این دانشنامه با ریاست یکی از استادان در هفت گروه علمی مشغول فعالیت است و هزاران مدخل را - تاکنون - همراه با منابع اصلی آن در پایگاه اینترنتی عرضه کرده است تا دسترسی محققان به منابع را آسان کند.

پژوهشکده تاریخ اسلام به وسیله پایگاه اینترنتی خود با همه پژوهشگران و علاقه‌مندان به مطالعه در سراسر جهان بیوند برقرار می‌کند. این پایگاه، علاوه بر انعکاس همه فعالیت‌های این مرکز علمی، بازتاب‌دهنده فعالیت‌های علمی انجام شده توسط مراکز و اشخاص دیگر در این رشته است. با فال شدن پایگاه مزبور، دسترسی پژوهندگان به مرکزی جامع و همه‌جانبه، که انعکاس‌دهنده همه آثار موجود در زمینه تاریخ اسلام باشد، میسر خواهد شد. علاوه بر آن، هم‌اکنون کتابخانه تخصصی (حقیقی و مجازی) فعال است و به تدریج فعال تر خواهد شد. از خداوند بزرگ، برای این تلاش و همه تلاشگران در راه حق و حقیقت، آرزوی موفقیت می‌کنیم.»

همان‌گونه که اشاره شد، آقای دکتر قربان بهزادیان تزیاد با قلم شیوا و روان خود، مقدمه‌ای بر کتاب نوشته‌اند که با هم مرور می‌کنیم:

«زادروز پزشکی را شاید به شکل نمادین بتوان با دور شدن انسان از اصل خویش در هنگام رانده شدن از بهشت یکی دانست. به عبارت دیگر، آن هنگام که انسان با از دست دادن یا به چنگ آوردن چیزی آرامش درونی اش بر هم خورد، بیماری به معنای فاصله گرفتن از تعادل قوا در معنای جالینوسی و بقراطی به سراغش آمد و او را به جستجوی بازگشت به طبیعت آرام (تعادل) به

چندان نمود و بروزی نداشتند و افراد را به صورت فردی (تک‌گیر یا انديسيك) مبتلا می‌ساختند و از هنگامی که توanstند به جوامع انسانی که گروهی زندگی می‌نمودند، وارد شوند و افراد را در گیر نمایند (همه‌گیری) اهمیت صدق‌چنان یافتند. از این‌رو، همه‌گیری‌ها و جهان‌گیری (پاندمی)‌ها موضوع مطالعه‌های گوناگون تاریخی، اجتماعی، ادبی و ... گردید. بنابراین، اگر این بیماری‌ها و از جمله مهم‌ترین آن‌ها طاعون در اکثر نوشتۀ‌های پژوهشکی، تاریخی و غیر آن همراه با تمدن‌ها به بحث گذاشته می‌شوند، به خاطر همین ویژگی ذاتی آن‌ها است. از این‌رو، موضوع کتاب حاضر، مطالعه طاعون در خاورمیانه در دوره میانه می‌باشد و با چنین رویکردی به نگارش درآمده است. خاورمیانه منطقه‌ای است که در آن دوران مهد و مرکز تمدن درخشان اسلامی و چهارراه ارتباطی تمدن‌ها و اقوام گوناگون بوده است. این کتاب که در هشت فصل و به سبکی تنظیم گردیده که بی‌نیاز از هر نوع توضیح اضافی است لیکن، اشاره کوتاه به برخی از مسائل برای تأکید بیشتر، خالی از لطف نیست از جمله: ۱- عامل به وجود آورنده طاعون یرسینیا پستیس می‌باشد. باکتری باسیلی شکلی که افزون بر گونه پستیس، دو عضو دیگر خانواده یعنی یرسینیا پسودوتوبر کولوزیس و یرسینیا آنتروکولیتیکا نیز در پژوهشکی حائز اهمیت هستند. این دو ارگانیسم، بیماری‌های دیگری ایجاد می‌کنند که به نسبت طاعون، اهمیت چندانی ندارند. محققان مختلف مطالعه‌های گسترده‌ای درباره ویژگی‌های زیست‌شناسی یرسینیا پستیس انجام داده‌اند و مشخص نموده‌اند که این ارگانیسم سه پلاسمید

شناخته شده‌اند و درباره آن‌ها فراوان بحث شده است: بلایای طبیعی همچون سیل، زلزله، طوفان و .... مصایب ساخت دست انسان مانند جنگ‌ها، شورش‌ها، غارتگری‌ها و ... بالآخره بیماری‌ها و قحطی‌ها. مصایب و مشکلاتی که این خلدون درباره آن‌ها عالمانه سخن گفته است. به هر حال، هر یک از این آسیب‌رسان‌های تمدنی، ویژگی خاص خود را دارند، لیکن، مشخصه مشترک تمامی آنان تخریب، ویرانگری و ضربه شدید به دستاوردهای انسانی است که به تدریج شکل گرفته‌اند و به یک‌باره از بین می‌روند و یا آسیب شدید به آن‌ها وارد می‌آید و در این میان بیماری‌ها با چنین ویژگی در خور تأمل بسیار است. به هر حال، از میان هزاران بیماری (با علت معلوم و ناشناخته) که در طول تاریخ همواره انسان و سایر حیوانات را مبتلا ساخته‌اند، معدودی چنین قابلیت و توان خارق‌العاده‌ای داشته‌اند: طاعون، آبله، تیفووس، مalaria، وبا و ... بیماری‌هایی که سبب‌شناصی (اتیولوژی)، قدرت بیماری‌زایی (ویرولانس)، میزبان‌های اصلی - واسط یا حامل‌ها (ناقلان)، مخزن بیماری، راه ورود، انتشار و شیوه درمان متفاوتی دارند لیکن، یک ویژگی منحصر به فرد و مشترک در آن‌ها وجود دارد: جنبه اجتماعی یا گروهی این بیماری‌ها. در توضیح این ویژگی می‌توان گفت این بیماری‌ها عفونی هستند. برخی از آن‌ها ویروسی (آبله)، بعضی باکتریایی (طاعون، وبا، تیفووس) و یا انگلی (malaria) می‌باشند و دیگر این که همه‌گیر (اپیدمیک) هستند.

به سخن دیگر، این بیماری‌ها تقریباً از قدیم‌ترین ایام همراه انسان بوده‌اند و به نظر می‌رسد در زمانی که اجتماعات انسانی شکل نگرفته بود،

بیماری نظم درونی هندوستان و انسجام ظاهری نهادهای بهداشتی جهانی از قبیل WHO را به هم ریخت و شاید از این‌ها مهم‌تر ایجاد پریشانی بود که در عرصه افکار عمومی جهان پدید آورد و عملاً اثبات نمود که انسان با همه دستاوردهایی که به دست آورده است توانایی و کارآمدی برای مقابله بحران‌های بزرگ از جمله همه‌گیری یا جهان‌گیری طاعون را ندارد.

۲ - حدیث مشهور العلم العلمان، علم‌الادیان و علم‌الابدان (صرف‌نظر از بحث‌هایی که درباره درستی انتساب آن و نیز تفاسیری که درباره آن ارایه شده است) و سایر احادیث به ایجاد رابطه تنگاتنگ ولی طیف‌گونه‌ای بین عرصه‌های مختلف پزشکی و نهاد دین انجامیده است. رابطه‌ای که در یک سوی آن طاعون قرار دارد که حداقل دو حدیث مستقل که یکی منع ورود و خروج به منطقه‌ای که به طاعون مبتلا است و دیگری که کشته‌شدگان ناشی از طاعون را شهید قلمداد کرده، از پیامبر<sup>(ص)</sup> درباره آن نقل گردیده است و درهم تنیدگی بسیار گسترده‌ای از پزشکی، فقه و کلام را برای رویارویی آن به وجود آورده است و در سوی دیگر، اداره بیمارستان‌ها است که به‌نظر می‌رسد درباره آن نوعی سکوت حدیثی دیده می‌شود و همین امر باعث شده که بیمارستان‌ها تا حدی در جهان اسلام در طول تاریخ به شیوه عرفی (سکولار) اداره گردند. این دو نمونه در دو انتهای طیف گسترده‌ای هستند که در میانه آن‌ها با استفاده از آموزه‌های قرآن و روايات وسیعی که از پیامبر<sup>(ص)</sup>، امامان<sup>(ع)</sup> و صحابه نقل شده است، گفتمان‌های پزشکی شکل گرفته‌اند. این احادیث آن قدر دامنه گسترده‌ای دارند که بخش زیادی

دارد که عامل اصلی بیماری‌زایی آن است. پلاسمیدها یا DNA خود تکثیرشونده‌ای که در دو عضو دیگر این خانواده حضور ندارند. پلاسمیدها عناصری هستند که امکان جابه‌جاکی و انتقال از یک ارگانیسم به سایر باکتری‌ها را دارند. از این‌رو، نگرانی‌هایی درباره انتقال این پلاسمیدها به دیگر ارگانیسم‌ها (درون خانواده و در خارج از آن) به‌چشم می‌خورد. نکته قابل توجه دیگری که در خصوص این بیماری و باکتری مولد آن باید گفته شود این که برخلاف ارگانیسم‌هایی مانند ویروس عامل آبله که تنها یک میزبان داشت و شرایط برای حذف آن با برنامه‌ای جامع امکان‌پذیر گردید، یوسینیا میزبان‌های مختلفی دارد و انسان در این مسیر میزبان تصادفی باکتری می‌باشد. از این‌رو، امکان ریشه کنی و پاک‌سازی جهان از وجود این باکتری وجود ندارد و تاکنون ادعایی نیز برای چنین کاری صورت نگرفته است.

افزون بر این‌ها طبق بررسی که استاد بالتأzar اولین رئیس انتیتوپاستور ایران و محقق بر جسته باکتری‌شناسی انجام داده است، ارگانیسم می‌تواند سال‌ها (حدود ۲۰ سال) به صورت غیرفعال در محیط زنده و غیرفعال باقی بماند و در شرایط و تحت تأثیر عوامل ناشناخته، فعال گردد و بیماری به وجود آورد. به‌نظر می‌رسد جامعه جهانی در عصر حاضر با توجه به گستره ارتباطات و سادگی حمل و نقل آمادگی مقابله با این بیماری را نداشته باشد. برای روشن شدن این ادعا، یادآور می‌شوم که در سال ۱۹۹۴ و ۵۰ سال پس از آن که بیماری، درمان آنتی‌بیوتیکی بسیار مؤثری داشت، در سورات هند، باکتری تعداد محدودی را مبتلا ساخت. شیوع

يهودی‌ها)، فرارهای دسته‌جمعی خبری نیست.

۳ - طاعون که به علت تخریب اقتصادی و ویران نمودن آثار تمدنی از عینیت ملموس و قابل مشاهده‌ای برخوردار بوده است، در ساختن وهم و تخیل و ارتباط انسان با نیروهای ماوراءی و شیطانی، نقش به سزاگی داشته است. به موازات این دو و شاید هم بیش از حد متعارف تحت تأثیر این دو جریان، تلاش‌های علمی است که در طول تاریخ صورت گرفته و سعی شده است تا ماهیت آن، روش‌های درمانی و پیشگیری بیماری را بشناسند و به آن‌ها عمل نمایند. در این مسیر شماری از درمانگرها و محققان جان خود را از دست دادند، ولی شجاعانه مسیر علمی و ارایه خدمات پزشکی را به کار بسته‌اند. اگرچه باید اذعان کرد به نسبت تلاش‌های صورت گرفته، دستاوردها بسیار اندک بودند. به هر حال، اگر نظریه جرمی بودن بیماری‌ها را تحول و یا انقلاب اساسی در پزشکی بدانیم، تحولی که موجب شد نظریات قبلی کنار گذارده شوند، قطعاً در پیادیش، تکامل و اثبات این نظریه کنکاش‌ها، مشاهدات هوشمندانه و گاه تجربه‌های خطرآفرینی همانند آنچه دکتر کلوت در هندوستان در زمینه طاعون انجام داد، نقش برجسته‌ای داشته است.

۴ - وبالآخره نمی‌توان درباره بیماری طاعون سخن گفت ولی از قصه‌ها، داستان‌ها و اشعاری که در فرهنگ‌های مختلف درباره آن خلق شده و تأثیر زیادی که بر ادبیات کشورها و زبان‌ها گذاشته است، سخن به میان نیاورد که محتاج مطالعه و پژوهش جداگانه‌ای است. همین مسئله دشواری برای محقق تاریخ به وجود آورده که با انبوی از منابع و روایات درباره بیماری مواجه می‌گردد و

از کتاب‌های حدیثی شیعه مانند اصول کافی و بحار الانوار و یا سنیان همچون بخاری و صحیح مسلم را اشغال کرده‌اند. به هر حال، دosoیی که هر یک ویژگی‌ها و شرایط خاصی دارند. مثلاً طاعون چنان که گفته شد نمونه‌ای از یک بیماری همه‌گیر است. بیماری که ماهیت اجتماعی دارد و بسیاری از اقدامات درمانی و پیشگیری آن به فعالیت‌های جمعی و کارهای بهسازانه، متکی است. افکار عمومی و رویکرد آحاد جامعه درباره سرشت و عاقبت آن بسیار تعیین‌کننده و تأثیرگذار است و از این رو، محدثان، مفسران و متکلمان با استناد به دو حدیث پیش گفت و استفاده تكمیلی از آیات و روایات دیگر به توجیهات و تبیین‌های دینی اهتمام ورزیده‌اند. برخی از اینان با برداشت‌ها و تفسیرهای خود راه را برای ابراز نظریه‌های علمی و تجربی پزشکان تنگ ساخته‌اند و به نظر می‌رسد شرایط را برای افراط‌گرایی‌هایی چون برگزاری نماز طاعون و یا روی آوردن مردم عادی به جادو، طلس... فراهم آورده‌اند و نیز نواندیشانی به تبیین‌های بسیار نوآورانه و راه‌گشایی دست یازدیده‌اند و یا دیگرانی با حزم و احتیاط زیاد راه میانه‌ای در پیش گرفته‌اند، به نوعی ائتلاف یا جمع علم و برداشت‌های دینی، توسل جسته‌اند. از این رو، در نوشته‌های آنان تناقض‌هایی دیده می‌شود که از کنار آن گذشته‌اند و هوشمندانه حل آن‌ها را به کاوش‌های بعدی سپرده‌اند. به هر حال، هر سه گروه کوشیده‌اند و اکنون جامعه مسلمان درخصوص این بیماری و تبعات بسیار وسیع آن را کنترل نمایند و پی‌آیند فعالیت آنان این که در دوره شیوع طاعون در ممالک اسلامی از کشтарهای خارجیان (به‌ویژه

حضرت محمد<sup>(ص)</sup> نمی‌پسندید و گاه برای محو آن‌ها تلاش می‌کرد، باز نمود. به هر حال، آن‌چه در این کتاب مطرح شده نیازمند بررسی جامع‌تری است تا از انتساب‌های نادرست به اسلام پرهیز گردد و این مجموعه در چنین پژوهشی می‌تواند به منزله گزارشی مورد استفاده قرار گیرد.

بر خود لازم می‌دانم از تمامی یاران که مرا همراهی کردن، تشکر و قدردانی کنم و در این میان از جناب آقای دکتر صادق حیدری‌نیا، جناب آقای دکتر خندق‌آبادی که در تهیه و آماده‌سازی کتاب مساعدت نمودند و جناب آقای عباسی که ویراستاری کتاب را انجام دادند سپاس ویژه دارم. به حجت‌الاسلام والملسمین سیده‌هادی خامنه‌ای رئیس و شورای علمی پژوهشکده تاریخ اسلام مخصوصاً جناب آقای دکتر زرگری‌نزاد که امکان چاپ و انتشار کتاب را فراهم ساختند و امداد هستم و از آنان صمیمانه تشکر می‌کنم. جناب آقای خلیل قویدل مسؤول محترم انتشارات پژوهشکده، سرکار خانم نرگس گل‌یاس که زحمت حروف‌چینی کتاب را برعهده گرفتند و سرکار خانم آرزو غیاثوند سپاس‌گزاری می‌کنم. در پایان، یادآور می‌شوم این کتاب اگر کاستی دارد ناشی از تنگنا و بضاعت علمی صاحب این قلم است. از این رو، از خوانندگان گرانقدر و اندیشمندان عالیقدار درخواست دارد که با ارایه نظر و نقد خود مترجم را هم‌چون گذشته محروم نسازند.»

برای این که مقصود آقای ماikel والتزداس را نیز از نگارش کتاب متوجه شویم، بهتر دیدیم که پیش‌گفتار ایشان را هم برای آگاهی خوانندگان

تمایزگذاری بین نقل‌های تاریخی مبتنی بر واقعیت و تخیلات هنرمندانه را اگر نگوییم ناممکن لااقل بسیار سخت کرده است.

در هر حال، صرف نظر از نکات پیش گفته باید تأکید کنم، کتابی که پیش رو دارید از محدود کتاب‌های فارسی در زمینه پزشکی است که مشکل (بیماری) خاصی را موضوع بررسی خود قرار داده و ابعاد مختلف آن را کاوش نموده است و در صدد است تصویر روشنی از یک جدال و یا نبرد بین انسان با تمام هوشمندی و ارگانیسم کوچک (ذره بینی) ارایه نماید و از آن قاعده‌مندی‌های کلی پیش چشم خواننده قرار دهد. مطالعه این کتاب در شرایطی که پزشکی در گیر دوره تخصصی شدن‌ها به تعییر مندل در اندیشه پست‌مدرن اهمیت یافتن اندام‌ها، کلیت بدن انسان را تحت تأثیر قرار داده است برای همه گروه‌ها و دست‌اندرکاران پزشکی بسیار مفید است.

در این کتاب مؤلف گرانقدر کوشیده با تفسیر برخی از آیات و روایات متناسب به نبی اکرم<sup>(ص)</sup> از یک سو جنبه‌های دینی و کلامی طاغون را به مثاله نمونه‌ای از شرور توجیه کند و از دیگر سو، برداشت‌های نادرستی که از این منابع فیض بزرگ در جامعه اسلامی دوره میانه شکل گرفته را تبیین نماید و به نظر می‌رسد در این مسیر توفیق به دست نیاورده و گاه خود نیز به برداشت‌هایی دست یازیده که همسو با روندهای ناصواب در دوره مورد مطالعه است. لازم به گفتن است که جامعه اسلامی با فاصله‌گیری از آموزه‌های قرآنی و سیره پیامبر و ائمه معمصومین دستخوش خرافه‌ها گردید و آغوش خویش را بر آن‌چه

بیاوریم. بنابراین، این مطلب را هم با یکدیگر مرور می‌کنیم:

«وقتی مطالعاتم را درباره مرگ سیاه در خاورمیانه شروع کردم، استاد ریچارد اتینگهاوسن<sup>۱</sup> با شوخطبعی خاص خود، برنامه‌ام را «اقدامی بزرگ» خواند! بعدها مشخص شد که این موضوع بسیار گستردۀ تر از آنی است که در ابتدا تصور می‌کردم. به هر حال، نتیجه آن مطالعه، این تکنگاری شد که در پی بازخوانی و شرح پدیده‌ای مهم در تاریخ اسلامی دوره میانه، یعنی افت شدید جمعیت خاورمیانه و فقر جامعه مسلمانان بر اثر همه‌گیری‌های طاعون است. این همه‌گیری‌ها آشکارا با جهان‌گیری بزرگ یا همه‌گیری جهانی طاعون در میانه قرن چهاردهم میلادی – که مرگ سیاه خوانده شده است – آغاز شد. تردیدی نیست که این جهان‌گیری بدترین بلای است که بر سر نوع بشر آمده است. پترارک<sup>۲</sup> در کتاب مرگ سیاه در لورانس می‌نویسد: خوشابه حال آیندگان که این غصه‌های بی حد و حصر را تجربه نمی‌کنند و این گزارش را چونان قصه خواهند خواند. بعد این مصیبت، توان تصویرسازی را به چالش می‌کشد و حتی از میان می‌برد.

خود، خوب می‌دانم که برای بازگو کردن داستان مرگ سیاه در خاورمیانه باید از قلمرو بسیاری از علوم عبور می‌کردم. همان‌طور که ماهیت پزشکی و پیامدهای تاریخی همه‌گیری‌های طاعون پیچیده است، دین من به دیگران نیز بسیار زیاد است. خوشبختم که سپاس خود را تقدیم کسانی کنم که در دوره نسبتاً طولانی تهیه مقدمات و انجام این مطالعه به من کمک کرده‌اند. نخستین

و مهم‌ترین تشکر من از دانشگاه پرینستون، کتابخانه و اعضای هیئت علمی دانشکده مطالعات شرق نزدیک، بهخصوص استادان، فیلیپ خلیل جتی، ال. کارل براون<sup>۳</sup>، مارتین دیکسون<sup>۴</sup>، میشل مزاوی<sup>۵</sup>، روی پرویز متخده<sup>۶</sup> و اندراس هاموری<sup>۷</sup> است. در جمع دانشمندانی که در پرینستون به این موضع پرداخته‌اند، به دستیاری و همکاری با استادان ریچارد اتینگهاوسن، اس. دی گوآیتین<sup>۸</sup> و مرحوم بایارد دوج<sup>۹</sup> افتخار می‌کنم.

طی تحقیق در مصر، در سال‌های ۱۹۷۰ - ۱۹۶۰، شخصیت‌های بی‌شمار و سازمان‌هایی کارم را سودمند دانستند و با وجود مشکل‌های سیاسی و اداری، با روی گشاده یاری ام کردند. به‌ویژه مدیون نامبردگان زیر هستم: استاد سعید آشور و حسنین ربیعه در دانشگاه قاهره، استاد حسن حبیشی از دانشگاه عین‌الشمس، رئیس و معاون کتابخانه ملی، کتابخانه مسجد‌الازهر و دکتر عبدالتواب از موزه مصر، از اعضای هیئت علمی دانشگاه امریکایی قاهره به‌ویژه استاد عادل سلیمان جمال، استیتوی فرانسه، استیتوی آلمان به‌ویژه استاد اولریخ هارمان<sup>۱۰</sup>. علاوه‌بر این‌ها، دکتر هاری هوگ استرال<sup>۱۱</sup> از بخش شماره سه تحقیقات نیروی دریایی ایالات متحده در قاهره و همکارانش بهخصوص دکتر رابت مارانپوت<sup>۱۲</sup> که در فهم و تفسیر جنبه‌های پزشکی طاعون در خاورمیانه کمکی ارزنده به من کردند، تشکر می‌کنم. خارج از مصر، باید از کتابخانه مسجد اموی دمشق و کتابخانه مسجد سلیمانیه استانبول سپاسگزاری کنم که اجازه دادند از مجموعه‌هایشان استفاده نمایم. در زمینه استفاده از نسخه‌های خطی در

بوده است، با توجه به نبود مطالعه‌های قبلی درباره بسیاری از آثار مربوط به طاعون، دقت کرده‌ام که استفاده‌هاییم از منابع را به تفصیل مستند نمایم.

شاید لازم باشد درباره این تک نگاری جزییات فنی معدودی ذکر شود. به منظور حفظ اختصار، همه نقل قول‌های عربی را آوانگاری کرده‌ام. سیستم آوانگاری عربی به کار رفته، مطابق با شیوه کتابخانه کنگره است، جز این که «ال» تعریف قبل از حروف شمسی، هم نوشته و هم خوانده شده است.

در موارد تاریخ‌های تقویم اسلامی، معادل آن‌ها را براساس تقویم مسیحی، با درج سال قمری در آغاز و سپس درج سال مسیحی در ادامه آن (مانند سال ۱۴۴۹/۸۵۲ – ۱۴۴۸) در متن آورده‌ام. در پاورقی‌ها، تاریخ‌های مربوط به تقویم‌های مسلمانان، اغلب به صورت هـ ق درج می‌شود.

دیگر این که قسمت‌هایی از فصل اول و هشتم این کتاب، نسخه بازیبینی شده مقاطعی است که به صورت جداگانه در نشریه انجمن شرقی امریکایی<sup>۱۸</sup> و در نشریه ویاتور، مطالعه‌های رنسانس و دوره میانه<sup>۱۹</sup> منتشر شده‌اند.

سرانجام، خوشحالم که تشکرهاش آشکار خویش را تقدیم آن‌هایی کنم که دست‌نویس‌های کلیه بخش‌های کتاب را با دقت بسیار خواندن، به خصوص استاد ایرا ام. لاپیدوس<sup>۲۰</sup>، استاد فرانک دی جیلارد<sup>۲۱</sup>، دکتر ریچارد اس کوپر<sup>۲۲</sup>، آقای ستیو یلی تیر<sup>۲۳</sup>، آقای نیکولاوس ال چیلدر<sup>۲۴</sup>، خانم ماوالوتر<sup>۲۵</sup> و مرحوم محمدرشید عبداللطلب. همچنین از انتشارات دانشگاه پرینستون، به خصوص آقای لوئیس باتمن<sup>۲۶</sup> به پاس راهنمایی و حمایت‌هایش و خانم آرتور شروود<sup>۲۷</sup> به پاس ویرایش دقیق تقدیر

استانبول، بیش از همه، مدیون کمک‌های بی‌دریغ ژوئل شیندر<sup>۲۸</sup> و نیز تشویق‌های مدام او در مراحل ابتدایی پژوهشم هستم.

برای ادامه تحقیق درباره این موضوع، در سال‌های ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴ از بودجه پژوهشی خاص هیئت علمی دانشگاه ایالتی کالیفرنیا، هایپاراد<sup>۲۹</sup> بهره‌مند شدم. در سال‌های ۱۹۷۵ – ۱۹۷۶ که از کمک‌هزینه مرکز تحقیقات آمریکایی استفاده می‌کردم، فرصت بازگشت به قاهره و بررسی مجدد بعضی از نسخه‌های خطی فراهم شد. این سفر مطالبی به متن افزود و موجب تصحیح بسیار آن شد. همزمان، حمایت مالی کمیته خاورمیانه‌ای و شرق نزدیک، وابسته به شورای آمریکایی جوامع دانشمندان و شورای تحقیقات علوم اجتماعی<sup>۳۰</sup> مرا قادر ساخت مطالعات خود را به دیگر نواحی خاورمیانه و اروپا گسترش دهم و به بازیبینی نهایی این تک‌نگار بپردازم. از این‌رو، از آن‌ها بسیار تشکر می‌کنم.

همچنین خوشحالم از دستیاران جوان کتابخانه‌های گوناگون اروپایی که دسترسی به مجموعه‌های نسخ خطی را ممکن ساختند، قدردانی کنم: موزه بریتانیا، کتابخانه دانشگاه کمبریج، کتابخانه بودلیان، آکسفورد، برلین در آلمان غربی، دانشگاه بیلیوتک لیدن و کتابخانه سان‌لورنزو و دی‌اسکوریال. سپاس ویژه خود را تقدیم دکتر ژاکلین سابلت<sup>۳۱</sup> (انستیتو تحقیقات تاریخی متون در پاریس<sup>۳۲</sup>) می‌کنم، که به فهم دشواری‌های بی‌شمار نسخ خطی شرقی کمک بسیاری نمود. با این حال، هر نقصی در درک این نسخ از جانب من است. ترجمه منابع عربی نیز آشکارا کار من

در خاتمه، ضمن سپاسگزاری از دوست عزیز و همکار فرهیخته، جناب آقای دکتر بهزادیان نژاد برای در اختیار گذاشتن این کتاب، مطالعه آن را به همه همکاران و مخاطبان رازی توصیه می‌کنیم.

کنم، اصلی‌ترین وظیفه‌ام ادای احترام به مقام استاد آبراهام ال ادوویچ<sup>۲۸</sup> از دانشگاه پرینستون است که اولین بار این مطالعه را به من پیشنهاد کرد. من مدیون صبر و شکیبایی، لطف و تشویق‌های بیش از حد ایشان در همه مراحل تحقیق هستم.  
**مایکل والترز دالس»**

زیرنویس

- |  |   |
|--|---|
| <b>1.</b> Richard Ettinghausen                       | the Social Science Research Council                                 |
| <b>2.</b> Petrarch                                   | <b>16.</b> Jacquelins Sublet  |
| <b>3.</b> L. Cari Brown                              | <b>17.</b> Institut de Recherche et d'Histoire des Textes,<br>Paris |
| <b>4.</b> Martin Dickson                             | <b>18.</b> The Journal of the American Oriental Society             |
| <b>5.</b> Michel Mazzaoui                            | <b>19.</b> Viator: Medieval and Renaissance Studies                 |
| <b>6.</b> Roy Parviz Mottahedeh                      | <b>20.</b> Ira M. Lapidus   |
| <b>7.</b> Andras Hamori                              | <b>21.</b> Frank D. Gillard   |
| <b>8.</b> S. D. Goitein                              | <b>22.</b> Richard S. Cooper  |
| <b>9.</b> Bayard Dodge                               | <b>23.</b> Steve Pellitiere   |
| <b>10.</b> Ulrich Haarmann                           | <b>24.</b> Nicholas L. Childs                                       |
| <b>11.</b> Harry Hoogstraal                          | <b>25.</b> Mava Luther  |
| <b>12.</b> Robert Maranpot                           | <b>26.</b> Lewis Bateman  |
| <b>13.</b> Joel Shinder                              | <b>27.</b> Arthur Sherwood  |
| <b>14.</b> Hayward                                   | <b>28.</b> Abraham L. Udovitch                                      |
| <b>15.</b> American Council of Learned Societies and |   |